



هجدهم ماه ذیحجه مصادف است با عیدالله اکبر عید سعید غدیر؛ روزی که در تاریخ رسالت و امامت نظیر ندارد؛ روزی که نبی مکرم اسلام ﷺ از سوی خداوند عروجل امامت و جانشینی ووصایت علی ؑ را در حضور یکصد و بیست هزار نفر، بین المللی کرد.

طبق گفته سبط بن جوزی حنفی مذهب (متوفای ۶۵۸ ق) در کتاب تذکرةالخواص (ص ۳۶) رسول‌خداﷺ دست مبارک علی ؑ را بلند کرد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»؛ هرکس من مولای او هستم، علی مولای اوست. یکی از راه‌های شناخت آن حضرت دقت و تعمق و تأمل در زیارت‌نامه ایشان است که شامل گوهرهای بسیار نفیس است. در این نوشتار کوتاه، گوهرهایی را از زیارت‌نامه‌های متعدد آن حضرت در کتاب المزار مرحوم شهید اول استخراج و برخی از آنها را به فرمایشات رسول‌خداﷺ مستند می‌کنیم. شایان ذکر است که تمامی این استنادات از منابع اهل سنت است:

۱. وصی رسول‌الله ﷺ ۲. ولی‌الله ۳. عبدالله و آخو رسوله ۴. خیرالخلق بعدالنبی ۵. سیدالوصیین ۶. صفوةالله ۷. امام‌الهدی ۸. علم‌التقی ۹. سیدالصدیقین ۱۰. الصفوة من سلالة‌النبيين ۱۱. باب حکمة رب‌العالمین ۱۲. خازن وحی‌الله ۱۳. الداعی الی شریعتہ ۱۴. ابوالأئمة ۱۵. خلیل النبوة ۱۶. میزان یوم‌الحساب ۱۷. عین‌الله الناضرة فی‌العالمین ۱۸. الکوکب الدری ۱۹. منارالهدی ۲۰. نورالنوار ۲۱. سیدالمسلمین ۲۲. امام‌المتقین ۲۳. قائدالغر‌المحجلین ۲۴. زاهد الزاهدین ۲۵. المخصوص بعلم‌التنزیل وحکم‌التأویل ۲۶. المخصوص بعدحق‌الله ۲۷. آخو رسول‌الله و وصیه ۲۸. زین‌الموحدین ۲۹. صاحب‌الحوض ۳۰. بحر‌العلوم ۳۱. قسم‌الجنة والنار ۳۲. کھف‌الفقراء ۳۳. من ردت له الشمس ۳۴. حامل اللواء ۳۵. النبأ‌العظیم ۳۶. الصديق‌الاکبر ۳۷. الفاروق‌الأعظم ۳۸. امام‌الصالحين ۳۹. تاج‌الوصیاء ۴۰. العروة‌الوثقی ۴۱. نورالله الانوار ۴۲. وارث علم‌الأولین والأخیرین ۴۳. السراج‌المنیر ۴۴. کاشف‌الکرب عن وجه رسول‌الله ۴۵. المعصوم من الزلل ۴۶. باب الاحکام ۴۷. امام‌الصالحين.

هر یک از این گوهرهای ارزشمند، قابلیت آن را دارد که مقالات متعددی درباره آنها نگاشته و شرح و تفسیر شود؛ اما در اینجا به چند واژه اکثفا می‌کنیم:

- ۱. اخوت میان علی ؑ و رسول‌خداﷺ**

امیرالمؤمنین ؑ به‌عنوان برادر رسول‌خداﷺ ذکر

# گوهرهای معرفت در زیارت‌نامه امیرالمؤمنین ؑ

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجعفر طبسی، استاد حوزه علمیه قم



شده و در این‌باره، روایات متعددی در منابع کهن اهل سنت وارد شده است. احمدبن حنبل (متوفای ۲۴۱ ق) پیشوای اهل حدیث و رئیس مذهب حنبلی روایتی را به‌طور مسند از صحابی بزرگ رسول‌خداﷺ جابربن عبدالله انصاری نقل می‌کند که ایشان فرمود: دیدم بر روی درب بهشت این‌طور نوشته شده است: لا اله الا الله محمد رسول‌الله وعلی‌آخو رسول‌الله. در ادامه این روایت آمده است که این نوشته‌ها روی در بهشت مربوط به دو هزار سال قبل از خلقت آسمان‌ها و زمین می‌باشد. (فضائل‌الصحابه، ص ۲۵۵، ج ۱۱۳۶؛ تاریخ دمشق ابن‌عساکر، ج ۴۵، ص ۴۶؛ الکامل جرجانی، ج ۶، ص ۸۴؛ المعجم الأوسط طبرانی، ج ۵، ص ۳۴۳، کنزالعمال منقی هندی، ج ۳، ص ۱۳۸، ج ۳۶۴۳۵؛ ذخائرالعقبی، ص ۶۶)

- ۲. العروة‌الوثقی**

احمدبن حنبل باسندی از امام علی‌بن موسی‌الرضا ؑ روایت نقل کرده که رسول‌خداﷺ فرمود: هر کسی که دوست دارد، به ریسمان محکم الهی دست بیاویزد، پس باید به حب علی‌بن ابی‌طالب ؑ تمسک کند.

- ۳. پرچمدار هدایت**



- ۱۰. قسیم‌الجنة‌والنار**

در کتاب تاریخ‌الخلفا آمده که از احمدبن حنبل درباره این حدیث نبوی «علی قسیم‌الجنة والنار» پرسیدند. در پاسخ گفت: حدیث صحیح است و هیچ شکی درآن نیست و تأویلش این است که هرکس علی را دوست دارد، وارد بهشت می‌شود و هر کس علی را مبغوض بدارد، وارد جهنم می‌شود؛ پس علی تقسیم‌کننده بهشت و جهنم است. (فضائل‌احمدین حنبل، ص ۶۲؛ مناقب ابن‌مغازی، ص ۶۷ و ص ۲۸۱)

- ۱۱. حدیث‌ردالشمس**

یکی از احادیث صحیح نزد اهل سنت، حدیث ردالشمس است. ابن‌عساکر دمشقی در تاریخ دمشق (ج ۴۵، ص ۲۳۹) از اسماء بنت عمیس نقل کرده که سر رسول‌خداﷺ در دامن علی ؑ بود که وحی بر او نازل شد و حضرت نماز نخوانده بود. رسول‌خداﷺ فرمود: آیا نماز خوانده‌ای؟ پاسخ داد: خیر. رسول‌خداﷺ این‌طور از خدا خواست: خدایا! خورشید را بر علی بازگردان پس خورشید برگشت تا اینکه نور آن به نصف مسجد رسید.



قرارداد الهی، مقدم داشتند و این زاویه جدایی امامت از مردم شکل گرفت و بر سر مردم فرود آمد، آن‌چه که نباید تحقق پیدا می‌کرد. پس عمود خلافت در برابر عمود امامت قد علم کرد و شد آن‌چه نمی‌باید می‌شد. گرچه تا امامت معصوم ؑ هست، نبوت به امامت غیرمعصوم نمی‌رسد؛ بلکه خلافت مطرح می‌شود که آن هم باید با انتخاب مردم صورت پذیرد. و این امامت است که اگر رسول‌خداﷺ آن را اعلام ننماید، رسالتش را به انجام نرسانده است و این امامت است که به‌وسیله آن دین تکمیل می‌شود و مردم به آزادگی کامل خواهند رسید. عارف رومی سخنی در مورد غدیر دارد که بیان آن، خالی از لطف نخواهد بود. او گوید:

بند هرچه گشته‌ای از نیک و بد

هر یکی بر تو، چو صندوقی است سَدّ

تا نگردی زین همه آزاد تو

کی شوی ای جان! زغم دلشاد تو

زین سبب پیغمبر با اجتهاد

نام خود و آن علی مَوْلای نهاد

گفت: هر کس را منم مولا و دوست

ابن‌عم من علی مولای اوست

کیست مولا؟ آن‌که آزادت کند

بند رفتی ز بایت بر کند

چون به آزادی نبوّت هادی است

مؤمنان را زآئینا آزادی است

ای گروه مؤمنان شادی کنید

هم‌چو سرو و سوسن آزادی کنید<sup>۱</sup>

اگرچه عارف رومی نیز، در بیان و معنای حدیث و امامت کوتاهی کرده است؛ زیرا مولای را به‌معنای دوستی گرفته است؛ نه رهبری حقیقی؛ اما این‌که معتقد است که بحث، خلافت نیست؛ زیرا خلافت یک امر اعتباری است؛ بر خلاف امامت که امر حقیقی است که هیچ‌کس نمی‌تواند او را از امامتش عزل کند؛ زیرا امامت، مردم را از تنگنای فکری و اندیشه‌های غلط غیرمنطقی آزاد می‌کند؛ برخلاف خلافت که همیشه در طول تاریخ، منافع شخصی خود را بر منافع خدایی و مردم مقدم می‌دارد. غرض اینکه، نبوّت راهکار می‌دهد و امامت آن را به انجام می‌رساند.

- پی‌نوشت‌ها**

۱. سوره مائده، آیه ۶۶

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۳

۳. سوره صفات، آیه ۱۱۶

۴. مثنوی معنوی، ج ۶، ش ۹۹۶.

گوهر صدیق اکبر نیز، یکی از چیزهایی است که رسول‌خدا آن را به امیرالمؤمنین ؑ اطلاق فرمود و خود حضرت هم، به این لقب افتخار می‌کند و در روز قیامت، آن حضرت به این لقب شناخته می‌شود. حضرت فرمود: «من صدیق اکبر هستم». (مناب‌خوارزمی حنفی، ص ۳۱۹) ابن‌جبر متوفای قرن هفتم، در کتاب نهج‌الایمان می‌نویسد: از جانب هر جریان اسلاهی، دلیل وجود دارد که صدیق اکبر و فاروق اعظم علی‌بن ابی‌طالب ؑ است.

- ۹. بهترین مخلوقات**

یکی از احادیث صحیح و متواتر حدیث طبر مشوی است که پزیده بریان‌شده‌ای برای رسول‌خداﷺ آوردند و حضرت تناول نفرمود و دست به دعا برداشت: خدایا! محبوب‌ترین انسان نزد خود را به من برسان تا در این طعام با من هم سفره شود. (مناب ابن‌مغازی، ص ۱۱۶؛ المطالب‌العاليه، ج ۴، ص ۶۱؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۴۵؛ المستدرک علی‌الصحیحین، ج ۳، ص ۳۱۱؛ المعجم‌الأوسط، ج ۷، ص ۲۸۸؛ کفایة‌الطالب، ۱۵۵)

از طرفی برای رسیدن به مقام نبوّت و امامت، باید مورد آزمایش الهی قرار گیرند و وقتی کسی به حدّ کمال رسید و نگاهش به مردم نگاه خدایی شد، آن‌گاه به این مقام منصوب می‌شود؛ نه این‌که امیال شخصی‌اش بر توجه خدایی‌اش غالب باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که اعلی‌درجه ولایت کلی الهی، مقام امامت است و در امر امامت که ارتباط انسان با نفوس، اموال، حیثیت و آبروی مردم است، نگاه خدایی تحقق می‌یابد و احکام الهی به دست امام ؑ جریان پیدا می‌کند. علامّه طباطبایی <sup>رحمه‌الله</sup> در ذیل این آیه سخنی دارد که فرق بین نبوّت و امامت این است که حقیقت مقام نبوّت، ارائه طریق است و مقام امامت، ایصال به مطلوب می‌باشد. یعنی پیامبر فقط مأمور به ابلاغ رسالت است و آن ارائه راهکار برای یک زندگی سعادتمندانه است؛ اما امام موظف است که با تشکیل حکومت، دست انسان‌ها را گرفته و با تأثیر باطنی و نفوذ روحانی در مردم، آنان را به سعادت برساند که در این‌جا، هدایت تکوینی او نیز تحقق پیدا می‌کند. پس بدون رهبر آسمانی، تحقق احکام الهی امکان ندارد؛ زیرا*إِبراهیمَ قَامَتِ الْخُدُودُ*؛ احکام الهی با وجود رهبر آسمانی امکان خواهد داشت. از بیان گذشته مشخص شد که مقام امامت، فوق مرتبه عبودیت، نبوّت و رسالت است و این مقام، مقام کلیه الهی است. حال که روشن شد، مقام امامت، فوق این مقام‌هاست، به اصل بحث برمی‌گردیم که خلافت را برای بی‌اثر کردن امامت مطرح کردند.

اجازه دهید یک مطلبی را از امام غزالی بیان کنیم. او در «مجموعه رسائل الامام الغزالی» عنوان کرده است: *«مِنْ حُطْبَتِهِ فِي يَوْمِ عِيدِ غَدِيرِخَمٍّ بِاتِّفَاقِ الْجَمِيعِ وَهُوَ يَقُولُ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ، فَقَالَ عُمَرُ: نِخَ نِخَ يَا أَبَالحَسَنِ! لَقَدْ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى كُلِّ مَوْلَى. فَهَذَا تَسْلِيمٌ وَرِضَى وَتَحْكِيمٌ؛ ثُمَّ بَعَثَ هَذَا، غَلَبَ الْهَوَى لِحُبِّ الزَّيْأَةِ وَحَمَلَ عُمُودَ الْخِلَافَةِ وَعَقُودَ النَّبُوءَةِ وَخَفَقَانَ الْهُوَى فِي قَفْعَةِ الزَّيْأَتِ وَأَشْبِيَاكِ إِزْجَامِ الْخُيُولِ وَفَتَحَ الْأَصْصَارَ وَتَسَاقَمَهُ كَأَسْ الْهَوَى فَمَادُوا إِلَى الْخِلَافِ الْأَوَّلِ، فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا.»*

از خطبه‌ای که رسول خداﷺ در روز عید غدیر که همه این خطبه را مورد تأیید قرار داده‌اند که حضرت می‌فرمایند:

«هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست.» پس عمر برخاست و گفت: «مرحبا مرحبا یا ابالحسن!! امروز شما مولای من و مولای هر مولایی» [امام غزالی می‌گوید: پس این تسلیم است و راضی به ولایت و تحکیم آن می‌باشد. پس بعد از این بیان، هوی و هوس به‌خاطر حبّ ریاست بر او غالب گشت و عمود خلافت و عهود نبوّت را بر دوش کشید و فریب هوی، در صدای پرچم‌ها و سر و صدای اسبان و فتح در صحنه جنگ پیچید و آنان شراب هوی و هوس را نوشیدند؛ پس بر خلاف نظر نخستین به عقب برگشتند و گفته خود را به پشت سرشان انداختند و به ثمن اندک آن را فروختند.»

آن‌چه می‌خواهیم به آن استناد کنیم، جمله «حَمَلَ عُمُودَ الْخِلَافَةِ» است. به‌طور دقیق در برابر امامت، خلافت را مطرح کردند و وقتی از نصب الهی به انتخاب مردم رسید، بار امامت بر زمین گذارده شد و توده مردم به‌خصوص روشن‌فکران، انتخاب مردم را بر جعل و

# غدیر: حلقه اتصال نبوت و امامت

حجت‌الاسلام والمسلمین علی نریمانی استاد عرفان و فلسفه

غدیر، تنها یک رخداد تاریخی نیست؛ بلکه یک نگارش است. تحلیل تاریخی صرف از غدیرخم، سبب می‌شود تا ابعاد مختلف این واقعه عظیم، مورد غفلت قرار گیرد.



انحراف شده و گفته‌اند: آیه راجع به غدیر و خلافت علی ؑ است.

اجازه دهید یکی از آیات قرآن که بحث امامت را مطرح می‌کند، مورد بحث قرار داده و سپس به غدیر بپردازیم: *﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ، فَاتَّقَهُنَّ ۖ قَالَ إِنَّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۚ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي؟ قَالَ لَا لِيُنَافِيَ عَهْدِي ٱلَّذَٰلِمْينَ﴾*<sup>۲</sup>

«به یاد آور زمانی که خداوند ابراهیم را با مواردی چند مورد آزمایش قرار داد و او از همه آن آزمایش‌ها سالم بیرون آمد. خداوند به ابراهیم فرمود: من تو را به امامت مردم برگزیدم. ابراهیم عرض کرد: خداوند این امامت را بر ذریه من نیز عطا می‌کنی؟ خداوند فرمود: عهد من هرگز به مردم ستمکار نخواهد رسید.»

این‌که خداوند حضرت ابراهیم ؑ را به کلماتی آزمود و پس از موفقیت در آزمون‌ها او را به امامت رساند، برخی مراد از کلمات را ماه، خورشید و ستارگان دانسته‌اند و برخی نیز مراد از کلمات را جان، فرزند و مال او دانسته‌اند؛ زیرا خداوند حضرت ابراهیم <sup>رحمه‌الله</sup> را با این سه آزمایش، مورد آزمون قرار داد و او از همه آن‌ها سرفراز بیرون آمد. یکی از آن آزمایش‌ها، به دل و فرزندش بود که ابراهیم دل به حضرت حق سپرد و برای ذبح اسماعیلش دامن و